



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۸/۳۱



پوهاند محمد بشیر دودیال

موضوع "حقابه" باوجود "راستی آزمایی و تشکیک"

هنوز هم سر زبانها است

باوجود آنکه ثابت گردید که سال جاری خشکسالی بی مانند در مناطق هلمند، قندهار، نیمروز و فراه بود، ولی مقامات ایران هنوز هم روی رها نمودن آب به سمت ایران تاکید می ورزند. از زمانیکه کار بالای اعمار بند کمال خان جریان داشت و بعد از تکمیل آن، ایران بالای موضوعات جریان آب مانند همیشه پافشاری داشت، تا آنکه اداره ملی آب که بعد از تقسیم وزارت آب و برق به دو اداره، تشکیل شده بود، به جانب ایران پیشنهاد نمود که در سه نقطه معین روی جریان و اندازه آب حاضر اند، به مذاکره بپردازند و در ضمن جانب افغانی اطمینان دادند که طبق معاهده سال ۱۳۵۱ش. به همان اندازه آب با رعایت حسن همجواری نیز جریان خواهد داشت. اما جانب ایرانی اصلاً با مدیریت آب و ساختن بعضی تاسیسات در کنار ویا بالای دریا های افغانستان در داخل کشور مخالف بود، در حالیکه خود تاسیسات زیادی به شمول نصب تکنالوژی آب برداری و چاه ها در سرحد ایجاد نموده اند. ایران طی سالیان طولانی در صدد تخریب بند های آب افغانستان بود و وزارت آب و برق را نیز به شکل از اشکال تطمیع نموده بود، تا اینکه طی چهار سال اخیر جمهوری اسلامی افغانستان، اداره ملی آب در قسمت مدیریت آب اقدامات ملی، مسلکی و قانونی نمود. بعد از سقوط نظام و ایجاد خلای قدرت و حاکمیت ملی، ایران در صدد دوباره جریان آب گردید و از هیچ نوع تلاش دریغ نورزید. حتا مجالس غیر مسلکی، ولی سیاسی و دیپلماتیک را با افراد حاکمیت انجام دادند. افغانها تاکید می ورزیدند که مجلس روی چنین موضوعات به جز آنکه سندی در دست جانب ایران بدهد، برای افغانستان مفادی ندارد. خصوصاً که در حاکمیت افرادی متخصص، مسلکی و وفادار به منافع ملی وجود ندارد. اما باوجود آن هم متخصصان مسایل آب آن کشورحتا تا دهر اواد آمدند و بنام (راستی آزمایی) مشاهدات خود را بسر رسانیدند. بازدید افراد کشوریگانه از منابع طبیعی، جغرافیا و بندها وسایر تاسیسات حیثیت تجاوز به حق و مسایل محرم شمرده میشود. سخن بدانجا رسید که متخصصان جانب ایران حتا تا بند کجکی رسیدند، باوجود مشاهده کم آبی، هنوز هم پافشاری دارند که باید برای ایران آب داده شود و اعلان نمودند که به چنین بازدید ها و کنترل اندازه آب در داخل کشورما، در نقاط دلخواه شان ادامه میدهند.

مسایل آب افغانستان برای همسایه های ماخیلی مهم و حیاتی است، چنانچه یک هدف ایجاد و طولانی ساختن نزاع های داخلی و جهادها همین موضوع بوده تا بتوانند از منابع آب افغانستان بهره برده و افغانستان نتواند روی مدیریت آبهای خود حتا فکر کند.

بعضاً موضوع تطمیع اشخاص مطرح میگردد. این نه تنها در مورد مقامات ومسئولین ادارت آب، بلکه زمانی در پوهنتون به چنین مداخلات و تطمیع مشکوک بودیم. یک مثال آن جلو گیری و حذف مضمون (اقتصادمنابع طبیعی (Natural Resources Economics) در پوهنخی زراعت پوهنتون ننگرهار طی سالهای ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۶ بود. درین پوهنخی شخص بنام غلام نبی بلوچ بااستفاده از شرین زبانی، حیل و نیرنگ و تملق و تعلق توانست نه تنها این مضمون را از نصاب منظور شده وزارت بکشد، بلکه از

تدویر سیمناها و کنفرانسها درمورد آب و منابع آب جلوگیری می نمود. زمانی با او به بحث پرداختیم و درمورد اهمیت بند آب و مدیریت آب در ولایت خود شان(نیمروز) بابایشان توضیح دادیم، ولی او میگفت مردم ما از تجارت موتر، موتر سایکل وسایر مواد با ایران به مقایسه زراعت مفاد بیشتر بدست می اورند(!؟). یعنی اشاره او به چینل ها و دهلیزهای اقتصاد سیاه، جرمی و غیر رسمی بود. طبق گفته خودش در نیمروز مردم گندنه، گشنیز، رومی ... را نمی کاشتند و باغهای مثمر نیز وجود نداشت، نه آب بود و نه فهم کشت. فقط مردم دادو سند در سرحدات و انتقال بعضی اموال و مصورفیت در مالداري بوده و ازین بابت زندگی (خوب!) داشتند. به این ترتیب این شخص باوجود

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

انکه استاد در فاکولته زراعت بود، ولی از مسایل اقتصادمنابع طبیعی ابا می ورزید. او فرد مشکوک وبدون اقارب نزدیک بود، اولاد ها وخانمش به خارج مهاجر شده اند.

خوشبختانه زمانیکه در پوهنتون هرات روی نصاب درسی پوهنخی های زراعت کشور بحث دوام داشت و نصاب زراعت ننگرها را حاضر کردند، دیده شد که محصلان این دوره ها بدون تعقیب این مضمون با نصاب ناقص فارغ گردیده اند، همه استادان پوهنخی های زراعت حاضر درین سیمینار تجدید نصاب، به این حالت تاسف کردند، فیصله نمودند تا این مضمون دوباره در نصاب گنجانیده شود(از توجه داکتر فضل، داکتر محمد آقا، داکتر غوث وسایرین ممنون). اوضاع این شخص (غ.ن.بلوچ) دایماً مشکوک میبود، زمانی اوتخلص سیدی را برگزید وبعضاً بدون تخلص امضا میکرد. هدف ازین یادآوری این بود که همسایگان از هر امکان استفاده میبرد تا افغانها را از ارزش و استفاده منابع شان غافل نگه دارند. درحالیکه آگاهی از منابع طبیعی نه تنها باعث تقویه احساس اتکا بخود میگردد، بلکه باعث افزایش غرور ملی میگردد مثلاً داشتن معدن درجه دوم مس درجهان، لیتیم بی مانند، لاجورد نامدار، آهن حاجیگک... اینها حس خُب وطن را در جوانان می افزاید. نه تنها از لحاظ اقتصادی و مادی، بلکه از لحاظ سمبولها نیز مثلاً: عقاب افغانی، مارکوپولو، پلنگ برفی، اسپهای قطغنی...

به هر صورت؛ هدف این است که در هیچ موقعیت ودر هیچ زمان نباید از مسایل ملی(خصوصاً منابع طبیعی) غافل بود. در کشور های دیگر بیشترین توجه و بودجه به انکشاف، مدیریت، تخصص و استفاده ی بادوام آنها معطوف است. تمرکز SDGs وهدف از انکشاف پایدار (sustainable development) نیز همین مفهوم است. سایر کشورها نه تنها ادوات مجهز وکادر مسلکی برای مدیریت درین عرصه دارند، بلکه در تربیه نسل جدید و اجرای تحقیق منابع نیز مصروف اند.

متأسفانه یکتعداد اهالی ولایات سرحدی از مدیدی نسبت عدم توجه دولت یا به زندگی بخور نمیر قناعت نموده، به انکشاف و استفاده معقول از منابع اقدام نه نموده اند ویا هم خود را از طریق اقتصاد غیر رسمی و اقتصاد سیاه صاحب ثروت ساخته اند. مثلاً مردم نیمروز/زرنج، پکتیا، کنر... در فکر مهار ابهای روزمینی و استفاده از آن در انکشاف زراعت، مالداري و باغداری نبودند، ولی بنا بر مجبوریت و عدم موجودیت پلانهای اقتصادی به قطع جنگلات، قاچاق در سرحدات و فروش پیداوار طبیعی اکتفا نموده اند. در ین مورد نبود تعلیم و احساس ملی و اراده مالکیت بر منابع محلی نیزرول داشته است. اینک

بدبختانه موضوع تا حدی پیش پا افتاده گردیده که سایرین در داخل کشور اقدام به (تشکیک) و بازدید و اصدار حکم در مورد منابع طبیعی کشور ما مینمایند. غرض حل مسئله به دو اقدام ضرورت است:

۱. اجرای تحقیقات علمی درمورد مدیریت، انکشاف و استفاده پایدار از منابع وتربیه ی ماهرین متخصص درزمینه،
۲. تقویه احساس ملی در ولایات، شریک ساختن مردم محل در مفاد منابع و مسئول شمردن آنان در حفظ منابع(آب، معدن، حیات وحش، چراگاه و زمین)،

۳. آگاهی دهی از ارزش محسوس و غیر محسوس منابع و مسایل محیط زیست و تقویه این انگیزه که منابع وثروت طبیعی صرفاً (میراث) نبوده، بلکه یک امانت است، چنانیکه از نیاکان برای ما مانده، باید به نسل آینده آن را بسپاریم.

۴. باید به منابع طبیعی بحیث یک سرمایه دیده شود، از مفاد سرمایه استفاده نمود، ولی خو سرمایه بشکل ثابت برای نسل های آینده نگهداری و سپرده شود،

۵. شناسایی افرادی که برای منابع اجنبی استخدام و جلو تحقیق در عرصه منابع طبیعی و مدیریت درست ان را می نمایند و اذهان مردم را ازدانش و احساس به سمت منافع غیرمشروع جلب می نمایند.

۶. انکشاف دادن تحقیقات علمی در ساحات منابع طبیعی و آموزش جوانان درین عرصه ها؛ خصوصاً دانش هایدرو لوزی و هایدرو متری و اقتصاد زمین.(Land Economics)

۷. حفظ اسرار، موقعیتها، مسیر، حجم و ارقام انواع منابع(آب، معدن، حیات وحش، زمین، نباتات طبی و صنعتی، جنگل و چراگاهها).

۸. برگرداندن مذاکرات در مورد ابهای کشور، از شکل دیپلماتیک وسیاسی به شکل مسلکی و از شکل غیر ضروری به شکل اولویت ملی.

۹. جلوگیری از تخریب محیط زیست و توجه بیشتر به پالیسی سازی در عرصه ی منابع طبیعی و حفظ پارکهای ملی. به امید تحقق پیشنهادات فوق الذکر.